ادامه از صفحه ۸

پوپولیست‌ها چگونه عمل می‌کنند

۱- با روزنامه‌ها و جراید مصاحبه کرده و از وضع بد فعلی و بخوربخورها ناله می‌کنند. حضور در تلویزیون و فضای مجازی نیز در این راستا به آنها کمک خواهد کرد. ۲- یک صفحه اینستاگرامی درست می‌کنند و هر روز عکس فقرا و ندارها را در آن به اشتراک می‌گذارند. ۳- از واژه «عدالت اجتماعی» و «حق زمین‌مانده» بسیار استفاده می‌کنند. از مافیا، محفل، گروه‌های قدرت و دست‌های پشت پرده برای رسیدن به اهدافشان به‌وفور استفاده می‌کنند. ۴- یک یا دو چهره مشهور را که بدوبیراه گفتن به آنها خطری ندارد، به‌عنوان مافیا هدف می‌گیرند و هر اتفاقی را به آنها و مافیایشان نسبت می‌دهند و اگر بتوانند آنها را وادار به واکنش کنند، صد قدم جلو افتاده‌اند. ۵- تا می‌توانند وعده‌های دلپذیر به عموم می‌دهند و نگران عملی‌شدن آنها هم نیستند. ۶- خود را کاملا بی‌میل به قدرت و سیاست نشان می‌دهند، زیرا باید عوام بپذیرند که آنها از جنس مردم و فقرا هستند. سر فرصت می‌توانند به «بهانه» خواست‌های مکرر مردم وارد کار شوند. ۷- تا می‌توانند از تحریک احساسات مردم و حق خورده‌شده آنها صحبت می‌کنند. داشتن منطق خیلی مهم نیست. ۸- حضور خود را در همه‌جا از طریق اینترنت با عکس و تصویر و گزارش به اطلاع همه می‌رسانند. ۹- ژست مستقل‌بودن و تنهابودن بسیار مهم است. ۱۰- از مناظره غافل نمی‌شوند. نیاز به داشتن دانش، قدرت و استدلال مهم نیست. ۱۱- پوپولیست‌ها می‌توانند راست‌گرا یا چپ‌گرا باشند .

موجودیت پوپولیست‌ها تنها در جامعه توده‌وار (جامعه بی‌شکل) امکان‌پذیر است. منظور از جامعه توده‌وار، جامعه‌ای است که در آن تشکل‌های سیاسی، صنفی، اتحادیه‌ها و سندیکاها و... وجود ندارند. جامعه توده‌وار در مقابل جامعه مدنی قرار می‌گیرد. هنگامی که انسان‌ها از نهادهای سنتی مانند طایفه، ایل و... جدا می‌شوند و نمی‌توانند جذب نهادهای مدرن شوند، جامعه وضعیت بی‌شکل پیدا می‌کند که به آن جامعه توده‌وار می‌گویند و در آن هیچ دسته‌بندی‌ای وجود ندارد.

در جامعه توده‌وار، توده‌ها بی‌شکل و رها هستند؛ اگرچه حکومت‌ها فکر می‌کنند در مدیریت آن موفق عمل می‌کنند، اما ناخودآگاه احتمال دارد یکی از راه برسد و این افراد و توده‌های بی‌شکل را به شیوه‌ای شکل دهد که مطلوب همین حکومت‌ها نیست. در واقع اتفاقات سیاسی و اجتماعی سهمگین به پشتوانه همین توده‌های بی‌شکل، به وجود می‌آیند و حکومت‌ها را با خطر مواجه می‌کنند.

در جامعه توده‌وار، نخبگان و روشنفکران در مدیریت جامعه به بازی گرفته نمی‌شوند. به‌همین‌دلیل پوپولیست‌ها همواره از «مردم» می‌گویند، ولی از تشکل‌های اجتماعی، سیاسی، صنفی، کانون‌ها و اتحادیه‌ها نگران هستند. پوپولیست‌ها همواره از مردمی بی‌شکل و موهوم صحبت می‌کنند و آنها را طرفدار خود و خود را مدافع حقوق آنها تلقی می‌کنند. آنها از مشارکت نخبگان جلوگیری می‌کنند و آنها را عمال بیگانگان و آلت دست خارجی‌ها و دشمن تلقی می‌کنند و در مواقع لزوم از توده‌های بی‌شکل می‌خواهند به خیابان‌ها بیایند و از آنها حمایت و دفاع کنند، ولی در درازمدت علیه منافع توده‌های فقیر عمل می‌کنند.

*** عضو هیئت‌علمی بازنشسته دانشگاه**

جزئیات جنایت‌های خانوادگی پدر و مادر بابک خرمدین

شرق: پرونده قتل بابک خرمدین، کارگردان سینما با اعترافات جدید پدر و مادر او وارد مرحله‌ای تازه شد و شکلی فجیع‌تر به خود گرفت. این زن و شوهر مسن دیروز در دادسرای جنایی تهران اعتراف کردند سال‌ها قبل داماد و دخترشان را نیز کشته و اجساد آنها را هم مثله کرده‌اند. مرد متهم ادعا کرده دامادش قاچاقچی بود و دخترش نیز به دام اعتیاد افتاده بود. این زوج یک پسر و یک دختر دیگر هم دارند که زندگی مستقلی دارند. به گزارش خبرنگار ما این پرونده جنایی زمانی تشکیل شد که پلیس جسد مثله‌شده و بدون سر مردی جوان را در سطل زباله‌ای در فاز سه اکباتان یافت و طولی نکشید تا هویت مقتول فاش شد. کارآگاهان سپس با توجه به نحوه قتل و سایر سرنخ‌های موجود به والدین بابک خرمدین ظنین شدند و این دو وقتی تحت بازجویی قرار گرفتند، به قتل اعتراف کردند. مرد ۸۱ساله در بازجویی‌ها گفت فرزندش را با نقشه قبلی به قتل رسانده است. او توضیح داد بابک را با ضربات چاقو از پا درآورد و سپس جسدش را تکه‌تکه کرد تا بتواند از خانه بیرون ببرد.

اگرچه اخباری از وقوع فرزندکشی هرازگاهی به گوش می‌رسد اما شیوه ارتکاب این جنایت از جمله داشتن تصمیم قبلی برای کشتن فرزند، طراحی نقشه برای این جنایت و مثله‌کردن جسد این پرونده را به جنایتی بی‌سابقه و فجیع‌تر از پرونده‌هایی با موضوع مشابه تبدیل کرد. بازجویی‌ها به‌صورت ویژه از پدر بابک که اکبر نام دارد، انجام شد. این مرد که سابقه نظامی دارد و بازنشسته است، در کمال خونسردی به سؤالات بازپرس ویژه قتل جواب داد و از کاری که کرده بود، ابراز ندامت نکرد. اختلافات متهم با پسرش به سال‌های دور برمی‌گردد. بابک پسری بازیگوش بود که زیاد به مدرسه اهمیت نمی‌داد و همین امر جرقه نخستین اختلافات را زد اما بابک بعد از آن تا مقطع فوق‌لیسانس درس خواند و علاوه بر فیلم‌سازی در دانشگاه کرج تدریس هم می‌کرد. این روال ادامه داشت تا اینکه با شیوع کرونا کلاس‌ها به حالت آنلاین تغییر شکل داد. پدر بابک می‌گوید فرزندش به این بهانه هر بار تعدادی دختر را به خانه می‌برد و می‌گفت آنها دانشجوی او هستند. این رفت‌وآمدها اختلافات پدر و پسر را شدت بخشید. متهم گفته بارها به فرزندش پیشنهاد داده با کمک مالی او خانه‌ای دیگر اجاره کند اما بابک نپذیرفت تا اینکه بالاخره او را به قتل تهدید کرد اما کارگردان جوان این تهدید را جدی نگرفت تا اینکه روز حادثه فرارسید. اعترافات تکان‌دهنده اکبر و همراهی همسرش با او باعث شد همه شوکه شوند. ابتدا تصور بر این بود که این زوج فقط همین یک جنایت را انجام داده‌اند اما به پلیس خبر رسید دختر این خانواده نیز از چند سال قبل ناپدید شده و علاوه بر آن از شوهر او نیز اثری نیست. همین گزارش سبب شد دور تازه‌ای از تحقیقات آغاز شود. پدر بابک در مرحله قبل بازجویی گفته بود از قبل در آبگوشت مرغ که همسرش پخته بود، داروی خواب‌آور ریختند تا بتوانند نقشه قتل را اجرا کنند اما آن شب بابک شام نخورد تا اینکه روز بعد با خوردن همان آبگوشت بدحال شد. سپس مرد مسن پاهای فرزندش را بست و با چاقو ضرباتی به سینه او زد. اکبر درباره این جنایت گفته بعد از قتل من و همسرم راحت شدیم و به آرامش رسیدیم.

درحالی‌که بررسی‌ها درباره جزئیات این جنایت ادامه داشت، متهم در برابر سؤالاتی حول محور دختر و دامادش به قتل آن دو نفر نیز اعتراف کرد. او گفت ابتدا در سال ۹۰ دامادش را کشت و سپس هفت سال بعد دختر خودش را قربانی کرد.

متهم هنگام تشریح این جنایت‌ها نیز خونسرد بود و توضیح داد که آن دو نفر را نیز به همان شیوه به قتل رساند که بابک را کشت. در بررسی‌ها مشخص شد دختر متهم یک بار ازدواج کرده و از شوهرش جدا شده بود. بعد از آن با پسرعمه خود که فرامرز نام داشت ازدواج کرد. اکبر توضیح داد: دخترم می‌گفت شوهرش او را اذیت می‌کند. من متوجه شده بودم فرامرز قاچاقچی است، به‌همین‌دلیل نقشه قتل او را طراحی کردم. یک شب دخترم و فرامرز را به خانه دعوت کردیم. شام زرشک‌پلو با مرغ داشتیم. در غذای فرامرز داروی خواب‌آور ریختیم و بعد از اینکه بیهوش شد، او را کشتم. جسدش را تکه‌تکه کردم و در خیابان‌های مختلف اکباتان رها کردم. دخترم نیز زمان قتل در خانه ما بود اما بابک آن زمان به انگلستان رفته بود و از ماجرا خبر نداشت. بعد از قتل خانواده دامادم سراغ او را می‌گرفتند که من گفتم قرار بود او به سفر برود و من خبر ندارم کجا رفته و چه اتفاقی برایش رخ داده است. بعد هم ماشین او را در محله مهرآباد جنوبی رها کردم. بعد از این اتفاقات برای دخترم حکم طلاق غیابی گرفتم اما دخترم بعد از طلاق منحرف شد. او به سمت مواد مخدر رفت و انواع مواد از علف تا هروئین را مصرف می‌کرد و مشروب می‌خورد. دخترم با پسران مختلف ارتباط داشت. تحمل این وضعیت دیگر ممکن نبود. به‌همین‌دلیل نقشه قتل او را هم کشیدم و این‌بار نیز همسرم همراهم بود. ما در سال ۹۷ دخترم را کشتیم و بازهم جسد را به همان شیوه از بین بردیم. مرد مسن نه‌تنها ماجرای قتل‌ها را به‌راحتی بازگو کرد بلکه گفت اگر آزاد شود، دختر دیگرش را نیز خواهد کشت. او گفت: دخترم نوه‌هایم را اذیت می‌کند؛ به‌همین‌دلیل اگر آزاد شوم، او را هم می‌کشم. شیوه اعترافات اکبر باعث شده بازپرس پرونده او را به پزشکی قانونی معرفی کند تا درباره سلامت روانی‌اش بررسی شود. در این مرحله باید مشخص شود آیا این مرد از بیماری روانی رنج می‌برد یا نه و اگر به اختلال روانی مبتلاست، آیا مسلوب‌الاراده بوده یا اینکه در اعمال خود اختیار دارد. البته متهم در ظاهر و در صحبت‌های خود نشانه‌ای عینی از جنون بروز نمی‌دهد و خیلی راحت و مسلط حرف می‌زند. او دیروز در دادسرای جنایی گفت: من سال‌های سال است که مطالعه می‌کنم. تمام ۱۷سالی که شیفت می‌ایستادم، کتاب می‌خواندم. از زمان کرونا سه ماه در شهر چمخاله و بقیه‌اش را در خانه خودم در اکباتان بودم و در این مدت همه خاطراتم را از پنج‌سالگی به بعد با جزئیات کامل نوشته‌ام. زمان قتل بابک هم داشتم درباره او سوگنامه می‌نوشتم که آن اتفاق رخ داد. مشکل من با فرزندانم از زمانی شروع شد که آنها به دانشگاه رفتند و رفتارشان تغییر کرد. من آن زمان بیشتر اوقات سر کار بودم و نمی‌توانستم بالا سر بچه‌ها باشم همسرم هم با پنج کلاس سواد از عهده آنها برنمی‌آمد و همین شد که درنهایت چنین اتفاقاتی رخ داد. همسر اکبر هم در بازجویی‌ها همراهی با شوهرش را در جنایت‌ها قبول کرده و گفته رابطه‌اش با اکبر خوب بود اما بچه‌ها او را اذیت می‌کردند. بازجویی‌ها از این متهمان همچنان ادامه دارد و به نظر می‌رسد تحقیقات در این پرونده زمان بیشتری را لازم داشته باشد؛ به‌ویژه آنکه اکنون یک ابهام تازه به وجود آمده و آن سرنوشت شوهر اول دختر اکبر است. متهم ادعا می‌کند آن مرد زنده است و به زندگی‌اش ادامه می‌دهد اما قرار شده تحقیقاتی دراین‌باره نیز انجام شود تا مشخص شود این ادعای مرد مسن واقعیت دارد یا اینکه برای او نیز اتفاقی رخ داده است.

مرگ دوست قدیمی، قتل یا حادثه ناخواسته

شرق: پسری جوان که متهم است با خوراندن ماده‌ای شیمیایی به دوستش، مرد جوان را به قتل رسانده است، به‌زودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، یک سال قبل جوانی به نام آرمان با اورژانس تهران تماس گرفت و درخواست کمک کرد. او گفت دوستش بدحال شده و از هوش رفته است. وقتی تکنیسین‌های اورژانس به محل رسیدند، شدت وخامت حال بیمار به حدی بود که نتوانستند به او کمکی بکنند و با انتقال مرد جوان به بیمارستان، او جانش را از دست داد.

آرمان در تحقیقات ابتدا مدعی شد نمی‌داند چه اتفاقی افتاده است. با کالبدشکافی جسد و مشخص‌شدن اینکه مقتول به نام روزبه با یک ماده شیمیایی کشنده و خاص جانش را از دست داده، تحقیقات دوباره از آرمان آغاز شد.

متهم این‌بار اعتراف کرد می‌داند دوستش روزبه با چه ماده شیمیایی‌ای مسموم شده است. او گفت: من و روزبه از دوران دبیرستان هم‌کلاسی بودیم. ما تا دوران لیسانس خیلی به هم نزدیک بودیم. ما چند دوست بودیم که رابطه‌ای بسیار صمیمی با هم داشتیم. دوستان دیگرم از ایران رفتند و فقط روزبه مانده بود. روزبه هم با توجه به اینکه دانشگاهمان از هم جدا شده بود، کمتر سراغ من می‌آمد و این‌طور بود که ارتباطم با او کم شده بود تا اینکه من با دختری عقد کردم، بعد شنیدم روزبه از یک دانشگاه معتبر آمریکایی بورس تحصیلی گرفته و قصد دارد از ایران برود. با روزبه تلفنی صحبت کردم و با او قرار گذاشتم. رابطه ما آن‌قدر نزدیک بود که روزبه از اینکه شنید من ازدواج کردم و او را خبر نکردم، خیلی ناراحت شد. دلخوری شدیدی از من داشت و من سعی کردم از دلش دربیاورم. به او گفتم تو مدتی دیگر از ایران می‌روی و من دیگر تو را نمی‌بینم، همه دوستانمان رفتند و من دیگر آنها را نمی‌بینم، بیا این مدت که ایران هستی با هم بیشتر رفت‌وآمد کنیم. چندباری بیرون قرار گذاشتیم تا اینکه روز حادثه او را به خانه‌ام دعوت کردم.

پسر جوان گفت: نامزدم ساناز اجازه نداد روزبه را به خانه او ببرم و گفت شیوع بیماری کروناست و این کار خطرناک است. من هم روزبه را به خانه پدری‌ام بردم. پدر و مادرم برای اینکه ما راحت باشیم از خانه بیرون رفتند. وقتی روزبه به خانه آمد، من کمی مشروب داشتم که از میهمانی چند روز قبل به خانه آورده بودم. مقداری هم کلروفرم در یک ظرف داشتم که در مشروب ریخته بودم و آن را استفاده می‌کردم. روز حادثه وقتی روزبه به خانه ما آمد، در یخچال را باز کرد و کلروفرم را که داخل یک قوطی آب‌میوه بود، دید و تصور کرد مشروب است و آن را خورد. من خودم کلروفرم مصرف می‌کردم و اتفاقی برایم نمی‌افتاد. من ترکیبات مواد و میزان خطر آن را می‌دانستم. من متوجه نشدم روزبه چه میزان از آن خورد که یکباره حالش بد شد. فقط به من گفت کمکم کن حالم بد است. من او را لای پتو پیچیدم که به بیمارستان ببرم، پاهایش توان نداشت، پاهایش را بستم که بتوانم او را در آسانسور نگه دارم اما یک‌دفعه دیدم حالش خیلی بد است. همان لحظه با اورژانس تماس گرفتم، چون دیدم به بیمارستان نمی‌رسد. تکنیسین‌های اورژانس آمدند و او را به بیمارستان منتقل کردند که فوت کرد. آرمان درباره اینکه کلروفرم چه کارایی دارد و او از چه زمانی مصرف می‌کرده، گفت: من از سوم دبیرستان کلروفرم و یک ماده دیگر مصرف می‌کردم. از همان نوجوانی بلد بودم با مواد چطور کار کنم و این دو ماده را ترکیب و مصرف می‌کردم. من مشروب نمی‌خوردم، اما از این دو ماده استفاده می‌کردم. البته خانواده‌ام خبر نداشتند و فکر می‌کردند برای کار از آنها استفاده می‌کنم. من قصد کشتن روزبه را نداشتم، ما دوستان قدیمی هم بودیم.

وقتی مأموران انگیزه حسادت را در قتل روزبه مطرح کردند، آرمان گفت: من به‌راحتی می‌توانستم از کشور خارج شوم و در یک دانشگاه بسیار خوب بورس تحصیلی بگیرم، چون در دو دانشگاه بسیار معتبر ایران درس خوانده بودم؛ اما خودم نخواستم که این کار را بکنم. من روزبه را دوست داشتم و اینکه او آن ماده را خورد، یک اتفاق بود و من سعی کردم کمکش کنم ولی نتوانستم.

بررسی پرونده شخصیت متهم نشان داد او رابطه بسیار خوب و آرامی با خانواده‌اش داشته و نمرات تحصیلی‌اش خوب است.

با توجه به مدارک موجود و شکایت اولیای دم، کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم به‌زودی پای میز محاکمه می‌رود.

رخداد

دستگیری کلاهبردار ۵۰۰ میلیاردی

● فرمانده انتظامی استان همدان از دستگیری یک نفر و کشف ۵۰۰ میلیارد ریال کلاهبرداری خبر داد. سردار سلمان امیری در تشریح این خبر اظهار کرد: فردی به پلیس آگاهی مراجعه و از شخص دیگری مبنی بر کلاهبرداری از طریق خرید آپارتمان شکایت کرد.

او بیان کرد: با توجه به اینکه موضوع در بحث کلاهبرداری و پیش‌فروش آپارتمان بود، در خلال رسیدگی به پرونده ۱۱ نفر دیگر برای شکایت در پلیس آگاهی حضور یافتند و اعلام کردند متهم یک واحد آپارتمان را به صورت پیش‌فروش به چندین نفر فروخته و مبالغ هنگفتی از مال‌باختگان دریافت کرده و متواری شده است.

این مقام انتظامی در ادامه بیان کرد: دلایل و مدارک شکات جمع‌آوری و اظهارات آنها اخذ و معلوم شد هرکدام مبالغی حدودا ۴۰ میلیارد ریالی در چندین مرحله و در فواصل زمانی به حساب‌های متعدد متهم واریز کرده‌اند. با توجه به نارضایتی‌های به‌وجودآمده و مبلغ بالای کلاهبرداری که در مجموع به حدود ۵۰۰ میلیارد ریال می‌رسید، موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس قرار گرفت.

او افزود: پس از جمع‌آوری همه مدارک و دلایل شامل قراردادها و رسیدهای واریزی که همگی دال بر موضوع کلاهبرداری بودند، مشخص شد متهم همه مبالغ را تبدیل به دلار و سکه و ارز کرده و متواری شده است.

این مقام انتظامی افزود: متهم بلافاصله ممنوع‌الخروج شده و حساب‌های نام‌برده مسدود و با استفاده از رصد اطلاعاتی و تلاش شبانه‌روزی در نهایت محل دقیق حضور او مشخص شد.

سردار امیری افزود: او در شهرستان سرباز استان سیستان‌وبلوچستان مخفی شده بود و قصد داشت به صورت غیرمجاز از طریق مرزهای زمینی به کشور پاکستان فرار کند.

او بیان کرد: تیمی از کارآگاهان مبارزه با جعل و کلاهبرداری به سرباز اعزام شدند و محل اختفای متهم را شناسایی و او را در یکی از روستاها دستگیر و به استان همدان منتقل کردند.

فرمانده انتظامی استان همدان گفت: متهم در تحقیقات صورت‌گرفته به جرم خود اعتراف کرد و به مرجع قضائی معرفی شد.

دستگیری سارقانی که فقط وانت آبی می‌دزدیدند

● سارقان وانت‌نیسان در شیراز شناسایی و دستگیر شدند.

سرهنگ کاووس حبیبی، رئیس پلیس آگاهی استان فارس، گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت وانت‌نیسان در شهرستان شیراز، موضوع شناسایی و دستگیری سارق یا سارقان به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان مبارزه با سرقت پلیس آگاهی قرار گرفت.

حبیبی گفت: کارآگاهان پلیس آگاهی فارس پس از بررسی محل وقوع سرقت‌ها، اقدامات فنی و اطلاعاتی را در دستور کار قرار دادند.

این مقام انتظامی گفت: انجام اقدامات تخصصی از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی فارس نتیجه‌بخش بود و منجر به شناسایی سه سارق شد. حبیبی با اشاره به اینکه هر سه سارق، در یک عملیات غافلگیری دستگیر شدند، گفت: این افراد در تحقیقات اولیه به ربودن شش وانت‌نیسان در شیراز اعتراف کردند.

جدول ۳۹۴۹ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- کوشش و فعالیت- خلط سینه و بینی- کرم انگلی لوله گوارش ۲- نزدیک‌ترین کهکشان مارپیچی به کهکشان راه شیری- همین حالا ۳- قتلگاه- ذرات ریز تشکیل‌دهنده سنگ- ... بی‌جمال جانان میل جهان ندارد ۴- ویرایش- موتورسیکلت پرقدرت ورزشی- اصطکاک ۵- رمق آخر- دو رنگ- قوای نظامی یک کشور- گل سرخ ۶- نوعی بازی برای سنجش مهارت هدف‌گیری- الهه عشق در اساطیر یونان- از خوراکی‌های سنتی کرمان ۷- کلمه هشدار- پیشه‌وران- از بهترین زنان بهشت است ۸- کتابی از زنده‌یاد نادر ابراهیمی بر اساس داستان زندگی ملاصدرای شیرازی ۹- نوعی کاغذ نامرغوب- اهل رشت- لقبی اروپایی ۱۰- باطل‌کننده- جمع شیء- شعبه‌ای از نژاد سفید ۱۱- بسیار خوب- ظاهرشدن- اسب بارکش- چاشنی غذایی ۱۲- بی‌کس- سریع- یگانه ۱۳- اکسید کلسیم- قتلگاه- مغازه ۱۴- از قراردادهای شرعی مشارکت کار و سرمایه در اسلام- تئاتر تلویزیونی ۱۵- آسوده- فال می‌گیرد- از نام‌های خرما در مراحل رشد

عمودی:

۱- غرامت- به‌درستی که- فرمان ۲- جشنواره سینمایی معتبر- آفریدگار- ریشخندکردن ۳- انسان- شماره نامه اداری- پیوند زناشویی ۴- فرشته سفیدپوش که در سایه نوازش او تحمل درد آسان‌تر می‌شود- سلول- برهنه ۵- جنبش و حرکت- بت‌خانه- مسجد بزرگ شهر ۶- نابسامان- مجموعه تلویزیونی- مقابل آشتی ۷- ناپسند- چشم و هم‌چشمی- نوبت کاری ۸- رنگی برای قالی- قیادت- مخترع پیل الکتریکی ۹- زبانه آتش- ایلات- تکرار حرفی ۱۰- لوازم منزل- حالت قانونی پیداکردن- عقیده ۱۱- صورت اسامی- رادار- خوردنی ناخوشایند! ۱۲- شخص- بدبختان- خیالباف ۱۳- امیدوار- ورزشگاه انگلستان- بیشه ۱۴- از اصول زندگی اجتماعی است- علم‌آموختن- نشانه صفت تفضیلی ۱۵- قدیمی و باستانی- اضافه‌ها- جادوگر قوم بنی‌اسرائیل

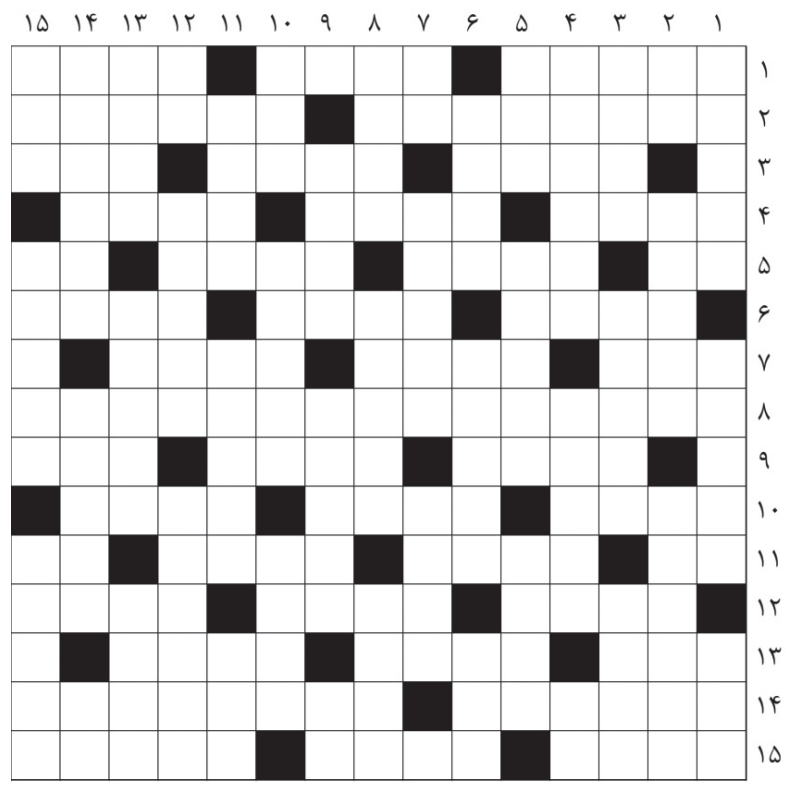

حل سودوکو سخت

۵	۴	۱	۹	۲	۸	۷	۶	۳
۳	۹	۲	۶	۷	۱	۵	۸	۴
۸	۶	۷	۳	۴	۵	۲	۱	۹
۲	۱	۳	۵	۸	۹	۶	۴	۷
۶	۷	۸	۴	۱	۲	۹	۳	۵
۹	۵	۴	۷	۳	۶	۸	۲	۱
۴	۳	۵	۸	۶	۷	۱	۹	۲
۷	۲	۶	۱	۹	۳	۴	۵	۸
۱	۸	۹	۲	۵	۴	۳	۷	۶

حل سودوکو ۲۹۴۴

۹	۱	۵	۶	۳	۴	۲	۸	۷
۸	۳	۲	۵	۱	۷	۹	۴	۶
۶	۷	۴	۹	۸	۲	۳	۵	۱
۳	۵	۷	۴	۲	۶	۱	۹	۸
۲	۸	۹	۱	۷	۳	۵	۶	۴
۱	۴	۶	۸	۹	۵	۷	۳	۲
۴	۲	۱	۳	۵	۸	۶	۷	۹
۷	۶	۳	۲	۴	۹	۸	۱	۵
۵	۹	۸	۷	۶	۱	۴	۲	۳

جدول ۳۹۴۸

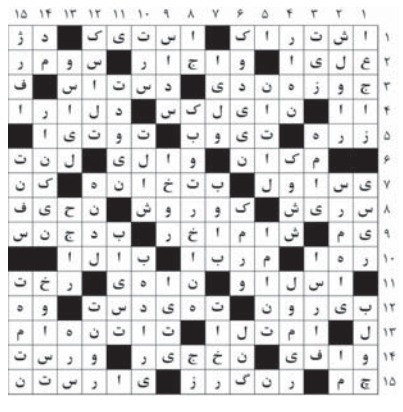

سودوکو سخت ۲۹۴۵

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۹	۳					
		۷		۲			۳	
۵			۴		۷	۶		۹
		۳			۲			
	۹		۶	۷	۱		۴	
			۸			۱		
۶		۱	۲		۳			۴
	۷			۴		۲		
					۶	۸		

سودوکو ساده ۲۹۴۵

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۴				۹		۸		۷
۷			۸				۹	
۱			۵		۷			
		۲			۸			
			۴		۱			
			۹			۱		
			۲		۶			۵
	۵				۹			۸
۹		۷		۵				۲